

زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی*

امید درویشی^۱

چکیده

مبارزه با ظلم و ستم یکی از آموزه‌های بنیادین فرهنگ انتظار است که تلاش برای زوال نظام سلطه در عصر حاضر از مصادیق بارز آن می‌باشد. در پژوهش پیش‌رو تلاش شده تا ضمن تبیین معنایی مکتب شهید سلیمانی و همسویی آن با فرهنگ انتظار، زوال نظام سلطه ترسیم شود. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی تهیه شده و به لحاظ داده‌های جمع‌آوری شده، تحقیقی کیفی است. این مقاله که به بررسی زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی پرداخته، در سه محور چیستی، چرایی و چگونگی زوال نظام سلطه براساس فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی سامان یافته است. محور سوم این پژوهش در بردارنده راه کارهایی است که با نگاه به فرهنگ مهدویت و مکتب شهید سلیمانی، برای زوال نظام سلطه ارائه شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که برای زوال نظام سلطه باید اقداماتی از قبیل تقویت مؤلفه‌های فرهنگی، سرمایه‌گذاری رسانه‌ای، ترویج وحدت، تشدید روابط دیپلماتیک علیه نظام سلطه، اقتدار در عرصه‌های نظامی، علمی و اقتصادی به خوبی پی‌گیری شود.

واژگان کلیدی

مکتب شهید سلیمانی، حاج قاسم سلیمانی، فرهنگ مهدویت، نظام سلطه، آمریکا، مقاومت.

مقدمه

فرهنگ انتظار که برگرفته از آموزه‌های اسلام اصیل است، در بردارنده مقوله‌های بنیادینی است که هر کدام از آنها می‌تواند در پویایی جوامع مختلف به ویژه جوامع اسلامی نقش به‌سزایی داشته باشند. یکی از این آموزه‌ها مبارزه با ظلم است. چنین مبارزه‌ای که فرهنگ انتظار به منتظران ارائه می‌کند شامل مبارزه با ظلم و ستم در عرصه‌های خرد و کلان به ویژه مقابله با اقدامات سلطه‌جویانه صاحبان قدرت و ثروت می‌شود.

انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام نیز ریشه در چنین آموزه‌هایی دارد. این انقلاب شکوهمند با نظام معنایی جدید، در بردارنده قله‌های رفیعی است که پرنده ذهن هر

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۹

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت قم، ایران (omid6922@gmail.com).

کسی نمی‌تواند بر بلندای آن به پرواز درآید. امام راحل یکی از مرتفع‌ترین این قله‌ها است که با به‌کارگیری مختصات اسلام سیاسی توانست مکتبی انسان‌ساز را پی‌ریزی نماید و حرف‌های زلالی به سمت پهن‌دشت افکار عمومی به جریان بیندازد تا جریان‌ها و حتی افرادی رشد و نمو کنند که هر کدام‌شان توانایی راهبری در مسیر سعادت و کمال را داشته باشند.

شهید قاسم سلیمانی از برجسته‌ترین افرادی است که با پایبندی به مکتب امام خمینی علیه‌السلام، آن‌چنان ذوب در این مکتب شد که خود تبدیل به یک مکتب گردید. مکتبی که بسیاری از آموزه‌های فرهنگ مهدوی و اسلام سیاسی از جمله مقابله با کانون‌های ظلم‌آفرین را در خود منعکس نمود.

بر همین اساس مکتبی که شهید سلیمانی با محوریت فرهنگ انتظار به جوامع اسلامی عرضه کرد در زوال نظام سلطه تأثیرات به‌سزایی داشته است؛ اما این‌که این مکتب چگونه توانسته در زوال نظام سلطه موفقیت‌هایی کسب کند؛ مسئله‌ای است که این پژوهش درصدد تبیین آن است.

در خصوص استکبارستیزی آثار زیادی تدوین شده؛ همچنین پیرامون شخصیت شهید سلیمانی کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. در هر کدام از این منابع با توجه به گستره موضوعی‌شان مطالبی هم‌سو ارائه شده است. به‌عنوان نمونه صفحاتی از کتاب *برادر قاسم* اثر ابودر مهروان‌فر، جلوه‌هایی از استکبارستیزی شهید حاج قاسم سلیمانی را منعکس نموده است. اما اثری که این دو موضوع را با هم تلفیق کرده باشد و به نقش مکتب شهید سلیمانی در زوال نظام سلطه پرداخته باشد، نیازمند تتبع بیشتری است.

با توجه به این‌که یکی از مهم‌ترین آرمان‌های فرهنگ انتظار مبارزه با ظلم و ستم است، اهمیت این پژوهش از آن‌جا برجسته می‌شود که شناخت مکتب شهید سلیمانی و تقابل آن با نظام سلطه در عملیاتی شدن چنین آرمانی نقش به‌سزایی دارد. در واقع ترویج مولفه‌های مکتب شهید سلیمانی و همچنین تبیین چیستی، چرایی و چگونگی زوال نظام سلطه در مکتب شهید سلیمانی می‌تواند چراغ راهی برای تربیت نسل منتظر در شناخت ماهیت استکبار و نحوه مبارزه با آن باشد.

بر همین اساس ضروری است تا مکتب شهید سلیمانی از زوایای مختلف ترویج داده شود چرا که اقدامات سردار سلیمانی و هم‌زمانش باعث شد تا نقشه‌های شوم استکبار جهانی در منطقه نقش برآب شوند و استمرار چنین روندی می‌تواند الگوی مناسبی در عرصه استکبارستیزی محسوب شود.

پیش از توضیح و تحلیل بحث در خصوص موضوع مقاله، برخی مفاهیم دخیل در نوشتار تبیین می‌شوند.

مفاهیم

۱. نظام سلطه

نظام سلطه عبارت است از «مجموعه‌ای از بازیگران نظام بین‌الملل که تلاش دارند قواعد بازی نظام ناعادلانه و ظالمانه را حفظ کنند. آنها از ابزارهای گوناگون نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای تأثیر بر دیگران استفاده می‌کنند» (شفیعی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۶). در سیستم نظام سلطه مجموعه‌ای از دولت‌ها تلاش می‌کنند تا «با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آنان را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح دهند» (علی بابایی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

نظام سلطه چنین می‌پندارد که چون قدرت و ثروت بیشتری دارد، مشروعیت حکمرانی بر دیگر جوامع را دارد. همچنین به پشتوانه قدرت پوشالیش، به سرمایه‌های انسانی و ذخایر طبیعی دیگر مناطق چشم طمع دوخته و در راستای تصاحب و بهره‌برداری از آنها برنامه ریزی و اقدام می‌کند.

بنابراین نظام سلطه دارای حلقاتی است که ایالات متحده آمریکا در رأس آن قرار دارد. همچنین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به ویژه دولت‌های انگلیس و فرانسه که از حق وتو برخوردار هستند نیز از حلقات نظام سلطه محسوب می‌شوند. در این میان برخی کشورهای در حال رشد که بقای شان به کشورهای فوق بستگی دارد را می‌توان به عنوان مهره‌ها و بازوان نظام سلطه در منطقه محسوب کرد.

۲. فرهنگ انتظار

«فرهنگ در فارسی از «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. «فر» پیشوند است، به معنای جلو، پیش، بالا؛ و «هنگ» از ریشه اوستایی است به معنای کشیدن؛ بنابراین، فرهنگ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن» (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۳، ۲۲۷). از جهت اصطلاحی نیز فرهنگ عبارت است از «نظامی از باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتارهایی که اعضای یک جامعه به کار می‌بندند، تا خود را با جهان و نیز با یکدیگر سازگار کنند و آن را از طریق آموختن از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند» (دانیل بیتس، ۱۳۷۵: ۴۴).

واژه انتظار از نظر لغوی به معنای «با تأمل نگاه کردن» (الجوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۸۳۰)،

«توقع امری داشتن، مراقب بودن نظاره کردن» (واسطی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۵۳۹) آمده است و در اصطلاح مهدویت به معنای «چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت در سراسر گیتی است» (سلیمیان، ۱۳۹۰ش: ۷۶).

بنابراین فرهنگ انتظار مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، آئین‌های اعتقادی، شعائر و سنت‌های رفتاری است که مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام است.

۳. مکتب شهید سلیمانی

مکتب در لغت بیان‌کننده اسم مکان و عبارت است از «مدرسه و محل درس خواندن» (عمید، ۱۳۷۷ش: ج ۲، ۱۳۷۷) این کلمه اگر چه پرکاربرد است و از جهت اصطلاحی برایش تعاریف همسویی بیان شده؛ اما تاکنون تعریف جامعی از آن ارائه نشده است.

شهید مرتضی مطهری رحمته الله برای تبیین مکتب آن را با عیار ایدئولوژی می‌سنجد و آن را مجموعه‌ای منظم و روشمند از گزاره‌هایی تعریف می‌کند که خطوط کلی و اصلی زندگی انسان را نشان می‌دهد که می‌تواند الگویی برای دستیابی به کمال و سعادت دیگرانسان‌ها باشد. ایشان در این خصوص می‌گویند:

مکتب يك نظریه کلی و طرح جامع و منسجمی است که شامل مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، وسایل، نیازها، راهکارها و مسئولیت‌های مشخص می‌شود تا با تکیه بر برداشت خاصی از زندگی، هستی، انسان و آفریدگار، اهداف معینی را برای تأمین سعادت همگانی از قبیل آسایش، رفاه و امنیت، ثبات، تأمین مشکلات اجتماعی، به دنبال رشد و تکامل تمدن انسان با بهترین شیوه، کمترین زحمت و بیشترین سود است (مطهری، ۱۳۸۹ش: ۵۶).

اصطلاح مکتب شهید سلیمانی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری است که در خطبه‌های نماز جمعه تهران در رسای آن سردار سرافراز چنین فرمودند:

ما به حاج قاسم سلیمانی، شهید عزیز و به ابومهدی شهید عزیز به چشم یک فرد نگاه نکنیم. به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم (۱۳۹۸/۱۰/۲۷: khamenei.ir)

بدون تردید به کارگیری پیشوند مکتب برای شهید سلیمانی از طرف مقام معظم رهبری از روی علقه محبت بین معظم له و آن سردار سرافراز نبوده؛ بلکه عجیب شدن انگاره‌های اسلام سیاسی با فکر و عمل ایشان و همچنین پایبندیش به هنجارها، ارزش‌ها، آئین‌های اعتقادی، شعائر و سنت‌های رفتاری مکتب اسلام باعث شده است تا چنین مفهومی بیان گردد.

البته مکتب شهید سلیمانی جلوه‌ای از مکتب امام راحل است که برگرفته از مکتب اسلام می‌باشد. این جلوه‌گری در پیام مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت سردار سلیمانی مشهود است که فرمودند:

او نمونه برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود. او همه عمر خود به جهاد در راه خدا گذراند (۱۳/۱۰/۱۳۹۸: khamenei.ir).

سیدحسین نصرالله نیز در این خصوص می‌گویند:

قاعدتاً مکتب حاج قاسم برآمده از مکتب امام خمینی علیه السلام است (بابایی طلایه؛ ۱۳۹۹ش: ۷).

بنابراین منظور از مکتب در این پژوهش، مدرسه‌ای است که در شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی نمود پیدا کرده است. مدرسه‌ای که مفسر عملی بسیاری از بن‌مایه‌های اعتقادی اسلام شیعی است. مکتبی که سرشار از هنجارها، ارزش‌ها، پایداری و ناپایداری است که شخص شهید سلیمانی به آنها پایبند بود. با آنها زندگی کرد و با آنها شهید شد. حتی پس از شهادتش نیز به نحوی شایسته در تبیین آنها نقش آفرینی کرد.

چیستی زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

برای فهم چیستی زوال نظام سلطه ابتدا باید به پیدایش و ظهور نظام سلطه به‌ویژه در منطقه خاورمیانه اشاره‌ای گذرا نمود.

۱. شکل‌گیری نظام سلطه در عرصه بین‌المللی

اگرچه سلطه‌گری و خلق و خوی تفرعنی پایه‌پای تاریخ زندگی بشریت به چشم می‌خورد، اما با مرور تاریخ معاصر چنین به دست می‌آید که جنگ‌های جهانی اول و دوم تحولات زیادی را در صحنه بین‌المللی ایجاد نمودند. پس از جنگ جهانی دوم فضایی بر دنیا حاکم شد که از آن به جنگ سرد تعبیر می‌شود. جنگی که بین دو قدرت شوروی و آمریکا ایجاد شد و این دو کشور تلاش می‌کردند تا رقیب خود را به صورت استراتژیک تسلیم خود کنند.

نتیجه این درگیری به افول شوروی (۱۹۹۲م) ختم شد و آمریکا فرصتی به دست آورد تا با طرح ایده‌هایی چون نظم نوین جهانی «New World Order»، سلطه خود را بر سایر نقاط جهان افزایش دهد. براساس گزارشی که کاخ سفید تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی برای قرن جدید» ارائه نموده، ایالات متحده مداخله در امور بین‌المللی را برای رهبری، حفظ و پیشبرد منافع امری ضروری می‌انگارد (استراتژی آمریکا برای قرن جدید، ۱۳۸۰ش: ۵).

بر همین اساس سیاستمداران آمریکایی، تسلط بر مناطق استراتژیکی مثل تنگه بوسفور، تنگه مالاکا، تنگه هرمز، تنگه باب‌المنذب، تنگه جبل الطارق و تسلط بر کانال‌هایی چون پاناما و سوئز و همچنین مناطقی چون خاورمیانه را برای آمریکا، امری حیاتی برشمردند. هلفرد مکیندر از قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا به عنوان جزیرهٔ جهانی یاد می‌کند و می‌گوید «هر کس بر جزیره جهانی حکمرانی کند فرمانروای جهان است» (ترابی، ۱۳۹۹ش: ۳۶) و سیاستمداران آمریکا را برای تسلط بر این منطقه ترغیب می‌کند.

۲. توجه نظام سلطه به منطقهٔ خاورمیانه

یکی از نقاط استراتژیکی که به شدت مورد توجه آمریکا قرار گرفته، منطقهٔ خاورمیانه است. البته حضور سلطه‌جویانه آمریکا در خاورمیانه به پیش از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. آن زمان بریتانیا ادعای امپراطوری جهانی داشت و به دلیل اتحاد راهبردی که با آمریکا داشت، به این کشور اجازهٔ ظهور و بروز در خاورمیانه و شبه جزیره عربستان را داد. کشف اولین چاه‌های نفت عربستان توسط آمریکایی‌ها در ۱۹۳۱م نیز دلیل این مدعاست (ترابی، ۱۳۹۹ش: ۵۰) اما با پایان جنگ جهانی دوم و افزایش هژمونی آمریکا، قدرت بریتانیا و حضورش در خاورمیانه نیز زیر چتر هژمونی آمریکا قرار گرفت.

سیاستمداران مطرح آمریکا در خصوص افزایش سلطه بر منطقهٔ خاورمیانه و خلیج فارس، دکترین‌هایی مطرح کرده‌اند که در سیاست خارجی این کشور به شدت پی‌گیری می‌شوند. به نظر آیزنهاور «منطقه خاورمیانه مهم‌ترین منطقه راهبردی جهان است. او و دولتش براساس این ارزیابی دکترین خود را این‌گونه اعلام می‌کنند: خاورمیانه به عنوان منافع حیاتی آمریکا به شمار می‌آید» (همان: ۶۰). ریچارد نیکسون نیز در این خصوص چنین نسخه می‌پیچد: ما باید در زمینهٔ نظامی برای بهبود توانایی خود در جهت عرضه قدرت آمریکا در خلیج فارس اقدام کنیم (نیکسون، ۱۳۸۹ش: ۱۳۵).

براساس چنین دکترین‌هایی است که به افغانستان و عراق لشکرکشی می‌شود و چامسکی «دلیل عمده حمله آمریکا به عراق را ایجاد پایگاه نظامی در قلب منابع مهم انرژی جهانی می‌داند» (موسوی شفائی، ۱۳۹۰ش: ۱۷۰). همچنین نظام سلطه به صورت نیابتی با برخی کشورهای منطقه خاورمیانه درگیر می‌شود. در برخی کشورها از جمله عربستان نیز از مهره‌های دست‌نشاندهٔ خود حمایت کرده و با پیاده‌سازی طرح‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، تلاش می‌کند تا قدرت سلطه‌گری خود را در منطقه افزایش دهد.

۳. زوال نظام سلطه در مکتب شهید سلیمانی

معنای زوال نظام سلطه عبارت است از مقابله با طرح‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... که برخی کشورهای قدرتمند از جمله آمریکا در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای پی‌گیری می‌کند.

در مکتب شهید سلیمانی که برگرفته از فرهنگ انتظار و مکتب اسلام اصیل است، چنین نگاه سلطه‌جویانه‌ای جایگاهی ندارد و باید در مقابل چنین زیاده‌خواهی‌هایی تلاش مؤثر نمود تا هیمنه پوچ آمریکا، پوشالی‌تر و شکننده‌تر گردد. چنان‌که شهید سلیمانی در یکی از سخنرانی‌هایش خطاب به ترامپ چنین می‌گوید:

هیچ شیئی نیست ما نخواهیم و به شما فکر نکنیم (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸ش: ۱۵۱).

البته به واسطه تلاش‌های مجاهدانه و مدیریت مدبرانه شهید سلیمانی و هم‌زمانش چنین روند زوال نظام سلطه در حال تحقق است.

بنابراین زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی، حلقه‌های مختلفی دارد. حلقه اول اقدامات بازدارنده‌ایست که منجر به اخراج آمریکا و نیروهای متجاوزش از منطقه خاورمیانه شود. چنان‌که از افغانستان اخراج شدند و در برخی دیگر از کشورها از جمله عراق نیز در حال اخراج شدن هستند. حلقه بعدی نیز عبارت است از تضعیف نظام سلطه در عرصه بین‌المللی و حلقه کامل‌تر چنین زوالی، از بین رفتن تمامی سلطه‌گران و متجاوزان در عالم است که با ظهور امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد.

چرایی زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

یکی از مهم‌ترین سوالاتی که پژوهش حاضر درصدد پاسخ به آن است؛ این است که چرا باید علیه زیاده‌خواهی کشورهای قدرتمند موضع‌گیری قاطعی داشت و با تمام توان برای افول هژمونی نظام سلطه تلاش نمود. براساس فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی دلایل متعددی می‌توان در این خصوص ارائه نمود که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. پابندی به مفهوم واقعی انتظار

اگر به مفهوم واقعی انتظار نگاهی موشکافانه داشته باشیم، چرایی زوال نظام سلطه به خوبی فهمیده می‌شود. با دقت در کلیدواژه‌های به کار رفته در روایات مربوط به انتظار می‌توان چنین گفت که ادبیات این روایات، حماسی و متناسب با جنگ و جهاد است. به عنوان نمونه امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد مقام منتظران فرموده‌اند

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَأَنَّ شَحَطَ بَدْمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۴۵).

همچنین امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳۰).

با نگاهی اجمالی به کلیدواژه‌هایی چون «متشحط»، «دم»، «سبیل الله»، «فسطاط» مشخص می‌شود ائمه معصومین علیهم السلام برای تبیین مفهوم انتظار از ادبیات حماسی و متناسب با جنگ و جهاد استفاده کرده‌اند.

از نظر لغوی انتظار یعنی «درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده» (مصطفوی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۱۶۶) از نظر اصطلاحی نیز: کیفیت روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۲۳۵).

با توجه به این نکات می‌توان انتظار را نوعی جهاد مستمری دانست که لحظه لحظه زندگی مان را در بر گرفته است. اگر کسی این احساس را داشته باشد که در میدان جنگ است، آسوده نخواهد نشست. دائماً تلاش و کوشش می‌کند موقعیت زمانی و مکانی خود و دشمن را با دقت زیر نظر می‌گیرد تا به راحتی مغلوب دشمن نشود» (درویشی، ۱۳۹۵ق: ۱۳۶).
براساس چنین تفسیری از انتظار، تلاش جهادگونه برای زوال نظام سلطه از شاخصه‌های بنیادین فرهنگ انتظار محسوب می‌شود. نقطه هدف در چنین جهادی نیز طاغوت و استکباری است که گاهی بیرونی و دشمن خارجی است و گاهی نیز درونی است چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ (مجلسی، بی تا: ج ۶۷، ۶۴).

این دو بُعد از مبارزه در مکتب شهید سلیمانی بسیار برجسته است. چنان‌که آن شهید والامقام در اوج درگیری با مهره‌های نظام سلطه در شهر دیرالزور، زمانی که به ناچار از خانه‌ای خالی از سکنه به عنوان مقر استفاده می‌کند، برای کسب رضایت صاحب خانه برایش چنین نامه می‌نویسد:

من برادر کوچک شما قاسم سلیمانی هستم... اولاً از شما عذر می‌خواهم و امیدوارم عذر مرا بپذیرید که خانه شما را بدون اجازه استفاده کردیم. ثانیاً هر خسارتی که به این منزل شما وارد شده باشد، ما آماده پرداخت هستیم (کریمی، ۱۳۹۹ش: ۴۰).

یعنی در اوج مبارزه با دشمن بیرونی (مهره‌های نظام سلطه)، از مبارزه با دشمن درونی

غفلت نمی‌کند.

۲. پایبندی به وظیفه دینی

سبک زندگی پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام چنین بوده که عموماً با مستکبران زمان خود در حال مبارزه بوده‌اند و این مبارزه را از وظایف دینی خود می‌دانستند. تاریخ گویای زوال سلطه‌گری فرعون‌ها، نمرودها و شیاطین جنی و انسی با اقدامات جهادگونه پیامبران الهی است. سیره عملی پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز چنین بوده و اوج این مبارزه در عصر ظهور محقق خواهد شد.

بنابر این یکی از شاخصه‌های مکتب شهید سلیمانی که در امتداد مکتب پیامبران الهی و اهل بیت علیهم‌السلام قرار دارد، تلاش برای زوال قدرت مستکبران است.

در واقع مکتب شهید سلیمانی به ما چنین می‌آموزد که منتظران راستین براساس پایبندی به وظیفه دینی‌شان باید با تمام توان در مقابل سلطه‌گران قد علم کنند. در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند علیه دشمنان کینه‌توز فعالیت کنند چنان‌که شهید حاج قاسم سلیمانی این‌گونه بود.

بر همین اساس سیدحسین نصرالله در مراسم شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی می‌گوید:

آمریکایی‌ها هر جا در منطقه می‌روند مقابل خودشان حاج قاسم سلیمانی را می‌بینند. به سوریه می‌روند حاج قاسم را می‌بینند. در عراق، در لبنان، در یمن، در افغانستان و در هر جایی مرتبط با محور مقاومت، مقابل‌شان حاج قاسم سلیمانی را می‌بینند (شیرازی، ۱۳۹۹ش: ۹۴).

۳. خنثی‌سازی اهداف شوم دشمنان

اگر در قرون بسیار دور فرعون‌ها به دنبال برتری جویی بر دیگران بودند:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ...﴾ (قصص: ۴).

امروزه نیز خلق و خوی تفرعنی در نظام سلطه باعث شده تا برای اهدافی از قبیل دست‌یابی بر منابع و منافع دیگر کشورها، برنامه‌ریزی کنند. ریچارد نیکسون در اوج جنگ سرد آمریکا و شوروی می‌گوید:

اروپای غربی، ژاپن، کانادا، مکزیک و خلیج فارس منافع حیاتی آمریکا را تشکیل می‌دهند. از دست دادن هر کدام از اینها در قبال اتحاد شوروی امنیت ما را به مخاطره خواهد انداخت (نیکسون، ۱۳۸۹ش: ۱۲۹).

چنین نگاهی بعد از افول شوروی در بین دولتمردان آمریکا بیشتر شد. به همین خاطر پس از

حادثه یازده سپتامبر، راهبرد مداخله جویانه فزاینده ای را نسبت به برخی مناطق به ویژه منطقه خاورمیانه در پیش گرفتند.

دارا بودن برخی پتانسیل ها از جمله منابع بسیار غنی انرژی و همچنین موقعیت ژئوپولیتیک خاص خاورمیانه برای کشوری که خود را ابرقدرت می داند بسیار وسوسه انگیز می باشد. به همین خاطر تسلط بر این منطقه از اهداف شوم نظام سلطه است. البته برای رسیدن به چنین هدفی، به نیایج مطلوبی دست پیدا کرده بودند تا این که ناگهان با سد پولادینی چون انقلاب اسلامی برخورد کردند. به همین خاطر نقطه ثقل هدف در خاورمیانه انقلاب اسلامی ایران تعیین گردید و مبارزه در عرصه های مختلف علیه این انقلاب مردمی تشدید شد. به همین دلیل سردار شهید سلیمانی در وصیت نامه اش خطاب به شیعه و سنی چنین سفارش می نماید که:

امروز قرارگاه حسین علیه السلام ایران است. بدانید، جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم ها می مانند. اگر دشمن این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (کریمی، ۱۳۹۹: ۹۵).

در مکتب شهید سلیمانی نمی شود از ماهیت نظام سلطه و اهداف شومش با خبر بود و دست روی دست گذاشت. نمی توان طراحی های دشمن را دید و برای برهم زدن شان اقدامی انجام نداد و ورق را به نفع جبهه مقاومت برنگرداند. چنان که سردار سلامی در مراسم معارفه سردار قائانی به فرماندهی نیروی قدس چنین می گوید:

این فرمانده بزرگ کاری کرد که دشمن هزینه می کرد و جبهه اسلام فایده و بهره آن را می برد سردار سلیمانی دشمن را آواره و سرگردان کرده بود (شیرازی، ۱۳۹۹: ۹۵).

سردار سلیمانی همان طور که حضور خود در خانه ای خالی از سکنه را ناشایست می شمارد و از صاحب خانه حلالیت می طلبد، برای حضور نیروهای سلطه گر به رهبری آمریکا در منطقه خاورمیانه که در واقع خانه مسلمانان است و به آن نگاهی غاصبانه دارند نیز نمی توانست ساکت بنشینند. زیرا نتیجه چنین سکوتی تسلط دشمنان بر جان و مال و ناموس و سرزمین و ذخایر طبیعی و... مسلمانان خواهند بود. تسلطی که قرآن کریم در موردش می فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱)؛

خداوند، هرگز بر کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان نگذاشته است.

۴. دفاع از بقاء متبرکه و اماکن دینی

گروه‌های تکفیری که در واقع مزدوران نظام سلطه بودند، براساس نوع ایدئولوژی‌شان، با شیعیان که بخش قابل توجهی از سرمایه‌های انسانی منطقه هستند؛ خصومت نامعقولی دارند. اگرچه نقش استعمار در برجسته کردن این خصومت نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است؛ اما تکفیری‌ها برای از بین بردن شیعیان و اماکن مقدس و مورد احترام‌شان تلاشی مجدانه داشتند. برخی اقدامات گروه‌های تکفیری از جمله تخریب بخش‌هایی از حرم امام هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام، تخریب بخشی از حرم سیده سکینه علیها‌السلام در حومه دمشق، تخریب بارگاه حجر بن عدی، اویس قرنی، عمار یاسر و وابصه بن معبد الاسدی و... گوشه‌ای از این تلاش‌های ددمنشانه می‌باشند.

اگر ساییه شوم چنین تفکری بر تمامی بلاد اسلامی سایه می‌افکند، همه اماکن مقدسه شیعی در معرض خطر جدی قرار می‌گرفتند. بنابراین ضرورت داشت تا جلو سیطره سربازان پابه‌رکاب نظام سلطه گرفته شود که این کار توسط دلبستگان مکتب سلیمانی انجام شد. چنان‌که ابوبکر البغدادی سرکرده گروهک تروریستی داعش در عراق چنین می‌گوید:

ارتش عراق با نقشه و همدستی گروه قاسم سلیمانی توانست بر ما چیره شود وگرنه ما قرار بود اماکن دینی رافضی‌ها را با خاک یکسان کنیم، سپاه ایران مانع از آن شد که نقشه ما عملی شود. ما به زودی انتقام مجاهدین خودمان را از ایران می‌گیریم (گروه فرهنگی تقدیر، ۱۳۹۹ش: ۱۰۱).

حاج قاسم سلیمانی عاشق دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام است. «وقتی به درب حرم حضرت زینب علیها‌السلام می‌رسید، زانو به زمین می‌زد، آستان حرم را می‌بوسید و سپس وارد حرم می‌شد» (شیرازی، ۱۳۹۹ش: ۳۳). چنین عاشقی هرگز اجازه نمی‌دهد تا این نقشه شوم نظام سلطه اجرا شود به همین دلیل با بسیج اقشار و قومیت‌های مختلف توانست از حرم و حریم اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی دفاع کند.

چگونگی زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

همان‌طور که اشاره شد، دشمنان برای پیاده کردن نقشه‌های شوم‌شان علیه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، اقدامات قابل توجهی انجام داده‌اند. طبیعی است که در مقابل این نقشه‌ها، نه تنها سکوت جایز نیست، بلکه باید در تضعیف نظام سلطه تلاش نمود. بدون تردید چنین تضعیف و زوالی، به خودی خود صورت نخواهد گرفت و نیازمند اقدامات مؤثر

منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و حتی بین‌المللی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی فرهنگی، اجتماعی، نظامی و... است که به برخی از این اقدامات اشاره می‌شود.

۱. تقویت مؤلفه‌های فرهنگی

مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ عبارتند از باورها (اصول، اعتقادات، بینش‌ها)، ارزش‌ها (آداب و رسوم)، هنجارها (رفتارها) و نمادها. در مکتب شهید سلیمانی چنین مؤلفه‌هایی از اهمیت بالایی برخوردار هستند و تلاش برای تقویت چنین مؤلفه‌هایی از ضروریات جامعه محسوب می‌شود. چرا که تقویت این مؤلفه‌ها در بصیرت‌افزایی و تربیت انسان‌های شجاع و فداکار نقش به‌سزایی دارند. به تعبیر سردار سلیمانی:

هر جامعه‌ای که از انسان‌های فداکار تخلیه شد آن جامعه شکست می‌خورد و هر موقع دو عنصر رهبری پاک و منزه و انسان‌های فداکار کنار هم باشند آن جامعه شکست‌ناپذیر خواهد بود (مهروان‌فر، ۱۳۹۷: ۵۵).

هر اندازه ایدئولوژی احاد جامعه براساس مؤلفه‌های فرهنگ مهدوی و اسلامی سامان پیدا کند، روحیه استکبارستیزی مردم بالا خواهد رفت. چنین ایدئولوژی تقویت شده‌ای بر تکنولوژی نظام سلطه تفوق دارد. چنان‌که همسنگران سردار سلیمانی در طول دفاع مقدس با کمترین امکانات در مقابل رژیم بعث که از طرف کشورهای تراز اول نظام سلطه حمایت می‌شد، پیروزی‌هایی پی‌درپی کسب می‌کردند.

همچنین به تعبیر سردار سلیمانی:

رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه از قوی‌ترین، کامل‌ترین تکنولوژی‌های امروز جهان برای جنگ با لبنان بهره‌گرفته بود و در حالی که صهیونیست‌ها در این جنگ در اوج غرور تکنولوژی بودند، اما دیدیم که در برابر ایدئولوژی حزب‌الله شکست خوردند (همان: ۲۷۱).

البته هژمونی غرب به این نکته پی‌برده، لذا با ناتو فرهنگی تلاش می‌کند تا از تقویت چنین مؤلفه‌هایی در بین اقشار مختلف جوامع اسلامی به‌ویژه جوانان جلوگیری کند.

۲. سرمایه‌گذاری رسانه‌ای

امروزه قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ها بر کسی پوشیده نیست و برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات چنین می‌گویند که «امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد» (بن. اچ، ۱۳۸۲: ۵). بنابراین ضروری است تا با استفاده بهینه از زیرساخت‌های رسانه‌ای اقدامات

مؤثری در تقویت جبهه مقاومت و تضعیف نظام سلطه صورت گیرد. چرا که هر کدام از اقدامات ظالمانه نظام سلطه از جمله اقدامات غیرانسانی در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب، رفتار ددمنشانه گروه‌های تکفیری، لشکرکشی مغرورانه به کشورهای اسلامی، کشتن زنان و کودکان، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و... می‌توانند سوژه‌هایی مؤثر برای به چالش کشاندن جبهه دشمنان باشند. چنین اقداماتی علاوه بر این که در تضعیف نظام سلطه مؤثرند، این پتانسیل را دارند که وجدان خفته آزادی خواهان را در عرصه‌های بین‌المللی بیدار کنند. همچنین با به تصویر کشیدن جلوه‌های زیبای جبهه مقاومت و برجسته‌سازی چهره‌های شاخص این جبهه، می‌توان در تقویت جبهه مقاومت تلاش کرد. شهید سلیمانی در خصوص برخی اقدامات هم‌زمانش می‌گوید:

انسان اقداماتی را از این مدافعان حرم چه در سوریه و چه در عراق می‌دید که ناخودآگاه می‌خواست خود را به زمین بکشاند و پای خالقان این صحنه‌ها را ببوسد (مهروان فر، ۱۳۹۷ ش: ۲۹۳).

لذا یکی از راه‌های مهم به چالش کشاندن نظام سلطه، استفاده مطلوب از فضای رسانه می‌باشد.

۳. ترویج روحیه وحدت بین مسلمانان

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه سردار سلیمانی وحدت امت اسلامی بود. آن شهید سرافراز که خود نماد وحدت و همدلی در عرصه مقاومت بود، مکتبش نیز برای جامعه اسلامی وحدت‌آفرین بود. او به خوبی دریافته بود که نظام سلطه با برجسته کردن اختلافات سیاسی، فرهنگی، قومی و به ویژه مذهبی، امت اسلامی را گرفتار شکاف‌های عمیقی نموده است. به همین دلیل علیه کنش‌های تفرقه‌انگیز به شدت واکنش نشان می‌داد.

سردار سلیمانی با رفتارش نظریه تقریب مذاهب را به خوبی تفسیر نمود و در عرصه داخلی و منطقه‌ای همواره مردم را به وحدت دعوت می‌کرد. نگاه شهید سلیمانی در این خصوص چنین است که:

ما برای حقیقت تشیع، نیازی به توهین به دیگران نداریم این که ما امروز پشت بلندگو توهین به دیگران بکنیم فردا چوب این توهین ما را شیعیان در محاصره عربستان می‌خورند (همان: ۳۲۶).

ایشان بزرگ‌ترین خیانت به جامعه را چنین بیان می‌کرد:

کسی بخواهد عامل مذهب را در درون جامعه ما ضعیف و کمزنگ کند (همان: ۳۲۴).

۴. تشدید روابط دیپلماتیک علیه نظام سلطه

برای تسریع زوال نظام سلطه نباید از پشتیبانی‌های قانونی و روابط دیپلماتیک غفلت نمود. حرکت در چارچوب ابزارهای سیاسی و بهره‌برداری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای همانند سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و همسویی دیپلماتیک دولتمردان کشورهای اسلامی، می‌تواند در تسریع زوال نظام سلطه نقش به‌سزایی داشته باشد.

اگر دولت‌مردان کشورهای اسلامی با مردم انقلابی همراهی نکنند، روند زوال نظام سلطه با کندی مواجه خواهد شد به همین دلیل سردار سلیمانی علاوه بر فعالیت در عرصه میدانی، با دولت‌مردان کشورهای منطقه تعاملات خوبی داشت. البته ایشان در این رابطه فقط به دولت‌مردان کشورهای اسلامی اکتفا نکرد بلکه با سران برخی کشورهای غیر اسلامی از جمله روسیه به خوبی ارتباط برقرار کرد و ولادیمیر پوتین را متقاعد کرد تا با تدابیر راهبردی جبهه مقاومت همراهی کند و علیه زیاده‌خواهی‌های آمریکا اقدامات بازدارنده‌ای انجام دهد.

۵. سازمان‌دهی و مدیریت راهبردی

نبوغ خاصی که در وجود سردار سلیمانی وجود داشت، باعث موفقیت وی در بسیاری از عرصه‌ها از جمله عرصه مدیریت شده بود. به واسطه تلاش مدبرانه ایشان بود که در اوایل جنگ تحمیلی توسط «فرمانده کل سپاه، حکم فرماندهی تیپ ثارالله کرمان را به ایشان دادند» (گروه فرهنگی تقدیر، ۱۳۹۹ ش: ۱۹) این نبوغ آن‌چنان به بلوغ رسید که باعث شد تیپ ثارالله تبدیل به لشکر ۴۱ ثارالله گردد و مدتی بعد از جنگ تحمیلی نیز از طرف مقام معظم رهبری، به عنوان فرمانده سپاه قدس (۱۳۷۶ ش) انتخاب شود و این روند گویای برخورداری این شهید والامقام از تفکر و مدیریت راهبردی است.

اقدامات راهبردی این سردار رشید در سپاه قدس باعث شد تا نظام سلطه در منطقه، روز به روز ضعیف‌تر شود و حصارهای امنیتی کاذبی که برای اسرائیل غاصب ایجاد شده بود، از بین برود. البته چنین تفکری که در مکتب شهید سلیمانی به چشم می‌خورد، نشأت گرفته از نگاه استراتژیک امام راحل علیه السلام است. چرا که امام راحل علیه السلام در این زمینه چنین فرموده‌اند:

ما این حقیقت و واقعیت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خوارن



بوده و هستیم (خمینی، ۱۳۸۵ش: ج ۲۱، ۸۵).

به همین دلیل حاج قاسم سلیمانی به حزب الله لبنان جانی دوباره بخشید. با سازماندهی نیروهای مردمی عراق، حشد الشعبی را راه انداخت و از عناصر بصیر سایر کشورهای اسلامی، رزمندگانی را در زیر پرچم‌هایی چون فاطمیون، زینبیون، علویون و حیدریون، علیه نظام سلطه سازماندهی کرد. این سازماندهی آن چنان ماهرانه صورت گرفته است که هیمنه نیروهای مقاومت حتی بعد از شهادت سردار سلیمانی نیز لرزه بر اندام نظام سلطه انداخته است.

بر اساس چنین نگاه کلانی، دلبستگان به مکتب شهید سلیمانی باید در زمینه انسجام بخشی و مدیریت نیروهای مقاومت تلاش نمایند و جبهه‌ای در مقیاس جهانی علیه نظام سلطه شکل دهند و زمینه‌های اخراج نیروهای نظام سلطه از منطقه و تضعیف نظام سلطه در کل دنیا را فراهم نمایند.

۶. اقدامات نظامی

نظام سلطه با تکیه بر قدرت نظامی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه، چالش‌های زیادی در منطقه ایجاد کرده است. تا زمانی که جبهه مقاومت از قدرت نظامی بازدارنده‌ای برخوردار نباشد؛ زوال نظام سلطه محقق نخواهد شد. همان‌طور که سردار سلیمانی نگاه ویژه‌ای به تقویت نظامی جبهه مقاومت داشت، در مکتب شهید سلیمانی نیز تشدید فعالیت‌ها در این عرصه از ضروریات است.

البته این تلاش‌ها تا کنون نتایج محسوسی از قبل ساقط کردن پهپاد آر کیو۴- گلوبال هاوک آمریکا در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹م)، حمله به عین الاسد، توقیف نفتکش انگلیسی استنا ایمپرو، اخراج تدریجی نیروهای متجاوز از منطقه و... را در بر داشته است.

۷. بالا بردن علم و دانش

بالا بردن سطح علم و دانش در عرصه‌های مختلف به ویژه نظامی و تولید تسلیحات نظامی نیز تأثیرات به سزایی در تضعیف نظام سلطه دارد. شکار پهپاد پیشرفته RQ-170 آمریکایی در سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۱م)، ساخت جنگ‌افزارهای مدرن، تولید موشک‌های متنوع با بردهای مختلف و نقطه‌زن، هواپیمای قاهر، ناوشکن جماران، تانک ذوالفقار، زیردریایی فاتح، پهپادهای متنوع، سامانه‌های راداری و... بدون پشتوانه علمی به هیچ وجه امکان ندارد. به بیان دیگر هر اندازه که در مقابل جبهه باطل مسلح به سلاح علم و دانش شویم،

جلوه‌های جدیدی از زوال نظام سلطه نمود پیدا خواهد کرد.

۸. اقدامات اقتصادی

نگاه غاصبانه نظام سلطه به ثروت‌های مادی و معنوی (ذخایر ارضی - افراد نخبه) کشورهای منطقه یکی از دلایل حضور سلطه‌گران در منطقه است. کشورهایی چون عربستان که با آنها همسو می‌شوند از طرف دولت مردان شان «گاو شیرده» محسوب شده و در حق کشورهای غیر همسویی چون ایران، تحریم‌هایی ظالمانه اعمال می‌کنند. چنان‌که کلینتون - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - در راستای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران چنین اعلام می‌کند که:

ما از تمامی دوستان مان در جهان می‌خواهیم که از داشتن مناسبات اقتصادی با ایران اجتناب کنند (واعظی، ۱۳۷۹ش: ۱۲۵).

با چنین سیاست‌های اقتصادی سلطه‌گرانه‌ای از طرفی اقتصاد کشورهای اسلامی را تضعف و از طرف دیگر اقتصاد خود را تقویت می‌کنند که این روند باید به صورت معکوس درآید. در مکتب شهید سلیمانی کشورهای اسلامی از پتانسیل اقتصادی بالایی برخوردار هستند که با بهره‌گیری از آنها می‌توان شاهد شکوفایی اقتصادی مسلمانان باشیم؛ چنان‌که شهید سلیمانی می‌فرماید:

هلال شیعی که سیاسی نیست هلال شیعی اقتصادی است. مهمترین مسئله اقتصادی جهان نفت است. ما می‌دانیم سه کشور ایران عربستان و عراق بیشترین نفت جهان را دارند (مهروان فر، ۱۳۹۷ش: ۲۷۶).

بنابراین ضروری است تا کشورهای اسلامی از نظر اقتصادی به همدیگر تکیه کنند. از برخی ظرفیت‌ها از جمله سازمان کنفرانس اسلامی و یا فراتر از آن عضویت در برخی سازمان‌های فرامنطقه‌ای از جمله سازمان همکاری‌های شانگهای استفاده کنند تا از نظر اقتصادی نیز نظام سلطه را به زوال نزدیک کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی زوال نظام سلطه در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی انجام گرفته است. براساس جمع‌بندی مطالب ارائه شده، تلاش برای زوال نظام سلطه یکی از مهم‌ترین بایسته‌هایی است که در فرهنگ مهدویت و همچنین مکتب شهید سلیمانی بر آن تأکید شده است. یافته‌های مهم این پژوهش این است که برای زوال نظام سلطه براساس



فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی باید برخی اقدامات از جمله تقویت مؤلفه‌های فرهنگی، سرمایه‌گذاری رسانه‌ای، ترویج وحدت، تشدید روابط دیپلماتیک علیه نظام سلطه، اقتدار در عرصه‌های نظامی، علمی و اقتصادی به صورت جدی پی‌گیری شوند. با توجه به این‌که هر کدام از این یافته‌ها از پتانسیل بالایی برای زوال نظام سلطه برخوردارند پیشنهاد می‌شود تا هر کدام از آنها، با محوریت آموزه‌های مکتب سلیمانی به صورت جداگانه مورد پژوهش قرار گیرند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران، نشر الاسلامیه.
۳. اکبری مزدآبادی، علی (۱۳۹۸ش)، *ذوالفقار*، تهران، انتشارات یازهرا.
۴. بابایی طلاطپه، محمد باقر (۱۳۹۹ش)، *بیابید این‌گونه باشیم* (مبانی و اصول مکتب شهید سلیمانی)، تهران، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.
۵. بن‌اچ بگدیکیان (۱۳۸۲ش)، *انحصار رسانه‌ها*، ترجمه: داود حیدری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۶. بنی‌لوحی، سید علی (۱۳۳۶ش)، *این مرد پایان ندارد*، تهران، راه بهشت.
۷. بیتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۷۵ش)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، اول.
۸. تخشید، محمدرضا؛ نوریان، اردشیر (۱۳۸۷ش)، «یک‌جانبه‌گرایی آمریکای و تأثیر آن بر نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۹. ترابی، سام مهدی و رنجبر، محمد علی (۱۳۹۹ش)، *جنگ سرد ایران و آمریکا*، تهران، انتشارات نخبگان.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق: احمد عبدالغفور، بیروت، انتشارات دارالعلم الملايين.
۱۱. درویشی، امید (۱۳۹۳ش)، *سربازان خورشید*، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ‌نامه مهدویت*، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۴. شفیع‌فر، محمدرضا؛ رحمتی، رضا (۱۳۸۹ش)، «سیاست تعاملی ضد نظام سلطه».

- فصل‌نامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲.
۱۵. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۸ش)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۷۷ش)، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
۱۷. کریمی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۹ش)، رفیق خوشبخت ما، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۸. گروه فرهنگی غدیر (۱۳۹۸ش)، سردار دل‌ها، تهران، تقدیر، چهارم.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰ش)، گزیده جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، دوم.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی‌تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مصطفوی، حسین (۱۴۱۷ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
۲۳. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۷۹ش)، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵ش)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۵. موسوی شفا، سیدمسعود؛ شاپوری، محمود (۱۳۹۰ش)، «ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پرخطر ایران»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی.
۲۶. مهروان فر، ابوذر (۱۳۹۷ش)، برادر قاسم، قم، مهر امیرالمؤمنین.
۲۷. نیکسون، ریچارد (۱۳۸۹ش)، ۱۹۹۹ پیروزی بدون جنگ، ترجمه: فریدون دولت‌شاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۸. واسطی زبیدی حنفی، سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
۲۹. واشینگتون بلاک، جرج و دیگران (۱۳۹۷ش)، داعش خود ما هستیم، ترجمه: دکتر رضا التیامی نیا، تهران، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
۳۰. واعظی، حسن (۱۳۷۹ش)، ایران و امریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران،

صداوسیماى جمهوری اسلامى ایران (سروش).

31. <https://khamenei.ir>.

